




### Re-evaluating the Status of the Jurisprudential Principle of Prioritization (*'Ahamm va Muhim*) in Urban Plans and Projects

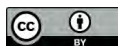
Dr. Asghar Molaei , Associate Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran

Email: A.molaei@tabriziau.ac.ir

#### Abstract

The principle of prioritization (*'Ahamm va Muhim*) is one of the most useful jurisprudential principles employed in the case of conflicts between two verdicts. Some examples of such conflicts can be found in urban planning and city management, including conflicts among public and individual interests in the establishment of public projects. The present study aims at determining the status of Prioritization principle in urban planning and city management by means of textual content analysis and logical reasoning with a qualitative and inter-disciplinary approach. The study concludes that the precedence of social benefit (*Maṣlahat*) depends on conditions such as being otherworldly, religious, worldly, social and public, and also serving *Shari'a* purposes such as justice and benevolence. Additionally, in order for the more crucial matter to take precedence over the important in urban planning, it is important to pay attention to the planning and design patterns. For instance, plans that are purely technical and physical and economic are to be avoided. It is essential to minimize private property ownership while trying to preserve justice, ensure everyone's satisfaction, and pay attention to the essentials of Islamic urban planning and the participation of all stakeholders. It is also crucial to take into account the rights of God (*Hagh Allāh*) and People (*Hagh Al-nās*).

**Keywords:** The Prioritization Principle, Jurisprudence of Islamic urban planning, Ownership rights, public harm, social benefit.





HomePage: <a href="https://jfiqh.um.ac.ir/">https://jfiqh.um.ac.ir/</a>	سال ۵۵ - شماره ۴ - شماره پیاپی ۱۳۵ - زمستان ۱۴۰۲، ص ۱۹۳ - ۱۶۳
شاپا الکترونیکی ۲۵۳۸-۳۸۹۲	شاپا چاپی ۲۰۰۸-۹۱۳۹
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۷	تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۸/۱۳
DOI: <a href="https://doi.org/10.22067/jfiqh.2022.78606.1439">https://doi.org/10.22067/jfiqh.2022.78606.1439</a>	نوع مقاله: پژوهشی

## بازشناسی جایگاه قاعده فقهی اهم و مهم در برنامه‌ها و طرح‌های شهری

دکتر اصغر مولائی 

دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران

Email: A.molaei@tabriziau.ac.ir

### چکیده

قاعده «اهم و مهم» از کاربردی‌ترین قواعد فقهی است که در تراحم بین دو حکم به کار می‌رود، در شهرسازی و مدیریت شهری نمونه‌هایی از تراحم به چشم می‌خورد، از جمله تراحم بین مصالح عمومی و منافع افراد در احداث پروژه‌های عمومی. هدف این جستار، تبیین جایگاه قاعده فقهی اهم و مهم در شهرسازی و مدیریت شهری است که با روش تحلیل محتوای متون و استدلال منطقی با رویکرد کیفی و میان‌رشته‌ای انجام شده است. حاصل پژوهش اینکه، تقدم مصلحت اجتماع، مشروط به شروطی چون اخروی، دینی و دنیوی بودن، اجتماعی و عمومی بودن و تأمین‌کنندگی مقاصد از شریعت، چون عدل و احسان است. همچنین برای اولویت‌بخشیدن اهم بر مهم در شهرسازی، توجه به الگوی برنامه‌ریزی و طراحی حائز اهمیت است، به طوری که لازم است از طرح‌های صرفاً فنی و کالبدی و اقتصادی پرهیز شود. به حداقل رساندن میزان تملک املاک خصوصی، ضمن تلاش برای تحقق عدالت و تأمین رضایت همه عوامل ذی‌دخل و ذی‌نفع و نیز توجه به الزامات شهرسازی اسلامی در مورد مشارکت تمامی ذی‌مدخلان و ذی‌نفعان و توجه به حق الله و حق الناس، ضروری است.

**واژگان کلیدی:** قاعده اهم و مهم، فقه شهرسازی اسلامی، حقوق مالکانه، ضرر عمومی، مصلحت اجتماع.

## مقدمه

امروزه، قاعده «اهم و مهم» سیطره خویش را در همه عرصه‌ها نمایان ساخته<sup>۱</sup> و از جمله قواعد فقهی و حقوقی است که قلمرو و کارکرد بسیار وسیعی دارد. در هر موردی که به‌هنگام اجرا متزاحم باشند و در مقابل هم قرار گیرند، این قاعده به کار گرفته می‌شود. به کمک این قاعده می‌توان حقوق دارای اهمیت بیشتر را بر سایر حقوق ترجیح داد.<sup>۲</sup> از جمله جهاتی که نشانه هماهنگی تعلیمات اسلامی با فطرت و طبیعت است و به آن امکان جاویدماندن می‌دهد، رابطه علت و معلولی احکام اسلامی با مصالح و مفاسد واقعی و درجه‌بندی احکام از این نظر است. احکام اسلامی تابع یک سلسله مصالح و مفاسد واقعی است که این مصالح و مفاسد در یک درجه نیستند. این امر سبب شده است که باب مخصوصی در فقه اسلامی به نام باب «تزاحم» یا «اهم و مهم» باز شود و کار فقها و کارشناسان اسلامی را در موارد اجتماع مصالح و مفاسد گوناگون و برخورد آن‌ها با یکدیگر آسان کند. اسلام اجازه داده است که علمای امت در این‌گونه موارد، درجه اهمیت مصلحت‌ها را با توجه به راهنمایی‌های اسلام بسنجند و مصالح مهم‌تر را بر مصالح کم‌اهمیت‌تر ترجیح دهند و خود را از بن بست خارج کنند.<sup>۳</sup>

شهید مطهری در کتاب اسلام و نیازهای زمان معتقد است که از علمای هر دین دیگری پرسید چه رابطه‌ای میان دین و عقل هست، می‌گویند: هیچ، اصلاً عقل را با دین چه کار؟! مسیحیت از تئلیث شروع می‌شود و در این خصوص حرفی می‌زنند که اگر بگوییم با عقل جور در نمی‌آید، می‌گویند در نیاید. آن‌ها وقتی می‌گویند ایمان و تعبد، مقصودشان پشت پا به عقل زدن و تسلیم کورکورانه در مقابل دین است. در اسلام، تسلیم کورکورانه و تسلیم ضد عقل نیست. البته تسلیمی هست که مافوق عقل باشد، به همین معنا که عرض کردم که آن خودش مطابق حکم عقل است. عقل هم می‌گوید: جایی که اطلاعی نداری، حرف بزرگتر را بپذیر. قانون اهم و مهم همین مطلب، به اسلام خاصیتی جاویدان داده است که دستورهای انعطافی پیدا می‌کنند. به اصطلاح فقها، حساب اهم و مهم در کار می‌آید؛ یعنی اگر در مقابل دو دستور از دستورهای دین قرار می‌گیری و در آن واحد قادر نیستی هر دو را اطاعت کنی، باید فکر کنی که از میان آن دو دستور کدام یک مهم‌تر است، آن را که اهمیت کمتری دارد فدای آن کنی که اهمیت بیشتری دارد. مثال معروفی است که همیشه برای طلبه‌ها این مثال را ذکر می‌کنند، می‌گویند: زمینی است که صاحبش راضی نیست که شما در آن قدم بگذارید، شما می‌بینید داخل این زمین حوضی است و بچه‌ای در آن افتاده است و

۱. اسفندیاری و همکاران، «ارزیابی مقایسه‌ای ادله و مبانی مذاهب پنج‌گانه فقهی در باب قاعده اهم و مهم»، ۲۰۱.

۲. دیلمی و جلیلی مراد، «قاعده اهم و مهم و کارکردهای حقوقی آن»، ۸.

۳. جمعی از نویسندگان، نبوت خاصه، ۱۰۵.

غیر از شما، شخص دیگری نیست که او را نجات بدهد، در اینجا شما می‌توانید یکی از این دو کار را انجام دهید: برای نجات بچه، علی‌رغم راضی نبودن صاحب این زمین، داخل آن شوید یا اینکه همان جا بایستید تا بچه تلف شود. در اینجا می‌گویند: شما باید ببینید احترام مال، بیشتر است یا احترام جان؟ البته احترام جان بیشتر است. پس شما باید آن کوچکتر را فدای بزرگتر کنید.<sup>۴</sup>

شریعت اسلامی اجازه داده است که کارشناسان اسلامی در موارد تزامم ملاکات احکام، درجه اهمیت مصلحت‌ها را بسنجند و با توجه به راهنمایی‌هایی که خود اسلام کرده است، مصلحت‌های مهم‌تر را انتخاب کنند، فقها این قاعده را «اهم و مهم» می‌نامند. بنابراین، در صورت مزاحمت حق‌ها یا تکالیف بر یکدیگر، در مقام اجرا یا به هنگام قانونگذاری مربوط به اجرا، باید قاعده تقدیم اهم بر مهم که یک قاعده پذیرفته شده عقلی و عقلایی است، رعایت شود.<sup>۵</sup> عرصه‌های مهم و عمده «اهم و مهم» را می‌توان در چهار زمینه جمع کرد: قانونگذاری، اجرا، سلوک اخلاقی، پژوهش و تحقیق.<sup>۶</sup>

در حوزه شهر و شهرسازی و پروژه‌های عمرانی، موارد بسیاری پیش می‌آید که به بروز تزامم حقوقی و تعارض بین طرفین منجر می‌شود. این تعارض، اغلب در خصوص تملک اجباری املاک مردمی در پروژه‌های عمرانی و بین مردم و شهرداری یا دستگاه‌های دولتی ایجاد می‌شود. به نمونه‌های متعددی در تجارب اخیر شهرسازی و عمران شهرهای کشور می‌توان اشاره کرد، از جمله: طرح توسعه بافت پیرامون حرم امام رضا(ع) در مشهد، طرح توسعه دانشگاه تهران، طرح توسعه بافت پیرامون حرم مطهر حضرت عبدالعظیم(ع) و شاهچراغ(ع)، طرح‌های تعریض خیابان‌ها و بزرگراه‌های شهری، طرح‌های احداث ایستگاه‌های مترو.

معارضات که اغلب، مالکان خانه‌ها و املاک واقع شده در طرح‌های شهری هستند، در خصوص اصل موضوع تملک، نحوه تملک، قیمت املاک و سایر جنبه‌های طرح اعتراض داشته‌اند که در برخی موارد، علاوه بر ناراضی‌های مالکان، سبب بروز تبعات اجتماعی و سیاسی و روانی نیز شده است. برای مثال، از جمله تبعات رایج در پروژه‌های بزرگ مقیاس عمرانی عبارت‌اند از: از بین رفتن تعلق خاطر ساکنان به ملک مورد تملک، از بین رفتن عناصر طبیعی؛ مانند درختان و قنات‌ها در اجرای پروژه، از بین رفتن سنت‌ها و حیات اجتماعی در بافت محلات قدیمی، ناراحتی و تنش‌های روحی و روانی ناشی از جابه‌جایی و واگذاری اجباری املاک. یکی از این تعارضات، طرح توسعه دانشگاه تهران است که در سال‌های اخیر با

۴. مطهری، اسلام و نیازهای زمان، ۱۴۹/۱.

۵. دیلمی و جلیلی مراد، «قاعده اهم و مهم و کارکردهای حقوقی آن»، ۹ تا ۸.

۶. مهریزی، فقه پژوهی، ۲۵.

اعتراضات گسترده ساکنان همراه بوده است و با تحصن آن‌ها مقابل وزارت راه و شهرسازی، بالاخره شورای عالی معماری و شهرسازی به توقف تملک اجباری و اکتفا به زمین‌های تملک‌شده رأی داد.

بنابراین، مسئله اصلی در این تزاخم، تشخیص اولویت موضوع است؛ یعنی تعیین اینکه اولویت با احداث پروژه‌ها و زیرساخت‌های عمومی است یا حقوق مالکانه، میراث فرهنگی و طبیعی و عمومی؟ امری که در آن نیز نظر مدیران شهری، مدیران سیاسی، متخصصان امر، به‌ویژه مهندسان و شهرسازی و معماران هم دخیل است. برنامه‌ریزی و طراحی شهرها و مناطق برای سال‌ها و دهه‌های آینده با توجه به نیازهای موجود امری است که متخصصان و مدیران بر آن تأکید و اصرار دارند که ممکن است در مواردی با خواسته‌ها و حقوق مردم و طبیعت و میراث فرهنگی در تضاد و تزاخم باشد. تشخیص این اولویت با قاعده فقهی اهم و مهم ایجاب می‌کند که اهم، ارجح از مهم است، اما معیارهای تعیین اهم از مهم در پروژه‌های عمرانی و شهری هم محل بحث است که در این پژوهش به آن‌ها می‌پردازیم.

بررسی پژوهش‌های موجود نشان می‌دهد که تاکنون پژوهش مستقیمی درباره اهم و مهم شهری انجام نشده است، اما پژوهش‌های مرتبط را می‌توان در چند دسته بررسی کرد:

ا. پژوهش‌هایی که به مبانی و بنیان‌های قاعده اهم و مهم در فقه شیعه یا در حوزه‌های خاص سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در اندیشه و آثار خود پرداخته‌اند؛ مانند اسلام و نیازهای زمان<sup>۷</sup> و مجموعه آثار<sup>۸</sup>، قواعد فقه<sup>۹</sup>، فقه و مصلحت<sup>۱۰</sup>، کتاب البیع<sup>۱۱</sup>، تفسیر نور<sup>۱۲</sup>، واری اولویت‌های برآمده از متون شرعی در تشخیص اهم<sup>۱۳</sup>، فقه پژوهی، دفتر اول در تبیین ضرورت شناسایی اهم از مهم در تزاخم عرصه‌های زندگی فردی و جمعی<sup>۱۴</sup>؛

ب. پژوهش‌هایی که به قاعده اهم و مهم از منظر فقهی و حقوقی پرداخته‌اند؛ مانند مقالات: «قاعده اهم و مهم و کارکردهای حقوقی آن»<sup>۱۵</sup>، «امکان‌سنجی اجرای قانون اهم و مهم در تزاخم حقوق»<sup>۱۶</sup>،

۷. مطهری، اسلام و نیازهای زمان، ۱.

۸. مطهری، مجموعه آثار، ۱.

۹. محقق داماد، قواعد فقه، ۳.

۱۰. علی‌دوست، فقه و مصلحت، ۴.

۱۱. خمینی، کتاب البیع، ۳.

۱۲. قرائتی، تفسیر نور، ۲.

۱۳. واعظی و همکاران، «واری اولویت‌های برآمده از متون شرعی در تشخیص اهم»، ۱۹۱.

۱۴. مهریزی، فقه پژوهی، ۶.

۱۵. دیلمی و جلیلی مراد، «قاعده اهم و مهم و کارکردهای حقوقی آن»، ۷.

۱۶. عشایری منفرد، «امکان‌سنجی اجرای قانون اهم و مهم در تزاخم حقوق»، ۱۰۷.

«قاعده اهم و مهم و نظریه غیراخلاقی توجیه»،<sup>۱۷</sup> «ارزیابی مقایسه‌ای ادله و مبانی مذاهب پنج‌گانه فقهی در باب قاعده اهم و مهم»؛<sup>۱۸</sup> ج. پژوهش‌های مرتب‌شده که به حقوق شهری (اما نه با عنوان قاعده اهم و مهم) پرداخته‌اند؛ مانند مقالات: «بررسی و تبیین اصول و قواعد شهرسازی از منظر فقه اسلامی»،<sup>۱۹</sup> «قاعده تقدیم مصالح شهری بر مصالح شخصی»،<sup>۲۰</sup> «حق بر شهر»،<sup>۲۱</sup> «ضرورت رویکردی نو در تدوین قوانین و مقررات معماری اسلامی بر مواد مربوط به حریم بصری در قانون مدنی ایران؛ تأملی بر تأثیر قاعده فقهی لاضرر».<sup>۲۲</sup> به‌طورکلی، پژوهش درباره اهم و مهم شهر و شهرسازی می‌تواند به تبیین و روشن‌شدن مبانی و اصول و مصادیق آن کمک کند.

هدف پژوهش حاضر، استخراج مبانی و ابعاد و مصادیق قاعده فقهی اهم و مهم در شهرسازی و معماری اسلامی است. سؤال مطرح‌شده در این راستا، عبارت است از: رابطه قاعده فقهی اهم و مهم و شهرسازی و معماری اسلامی چیست؟ به‌همین منظور، ابتدا آیات و احادیث مربوط به قاعده اهم و مهم و سپس پیشینه پژوهش به‌همراه نظریات فقهای شیعه مطالعه می‌شود. در ادامه، با تمرکز بر فرایند برنامه‌ریزی و طراحی و احداث بافت‌ها، بناها و فضاهای شهری و مصادیق آن‌ها تعیین می‌شود که با روش پژوهش تحلیل محتوای متون و استدلال منطقی و شیوه‌های مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی انجام می‌شود.

در خصوص پیشینه موضوع باید گفت: از یک سو، توان محدود آدمی و گسترش قلمرو زندگی فردی و جمعی و ازسوی دیگر، برخورد منافع و تضاد سود و زیان، همیشه انسان را مواجه با تضاحم و وادار به گزینش و اولویت‌بندی منافع و شناسایی اهم و مهم می‌کند. تضاحم‌ها برای همه انسان‌ها و در همه عرصه‌های زندگی وجود دارد و حکم عقل فطری به انتخاب اصلح و برتری‌دادن اهم نیز همیشه بوده است، اما تعیین ملاک دقیق اهم و مهم، کاری آسان نیست... ادیان الهی، به‌ویژه اسلام در این وادی به‌کمک عقل آمده و در تشخیص مصادیق، او را یاری کرده‌اند.<sup>۲۳</sup> قاعده اهم و مهم با در نظر گرفتن مبانی فقهی و حقوقی آن، در اندیشه اسلامی یکی از کاربردی‌ترین قواعد در حل تضاحمات میان حقوق و تکالیف حقوقی

۱۷. مفتاح، «قاعده اهم و مهم و نظریه غیراخلاقی توجیه»، ۱۴۵.

۱۸. اسفندیاری و همکاران، «ارزیابی مقایسه‌ای ادله و مبانی مذاهب پنج‌گانه فقهی در باب قاعده اهم و مهم»، ۲۰۱.

۱۹. عندلیب، «بررسی و تبیین اصول و قواعد شهرسازی از منظر فقه اسلامی»، ۵.

۲۰. دزی، «قاعده تقدیم مصالح شهری بر مصالح شخصی»، ۳۷.

۲۱. کامیارزاده، «حق بر شهر»، ۲۵۰.

۲۲. علی‌آبادی و هاشمی، «ضرورت رویکردی نو در تدوین قوانین و مقررات معماری اسلامی، بر مواد مربوط به حریم بصری در قانون مدنی ایران؛ تأملی بر تأثیر قاعده فقهی لاضرر»، ۶۷.

۲۳. مهریزی، فقه‌پژوهی، ۱۴۳.

است.<sup>۲۴</sup> فقه در لغت، به معنای فهمیدن و نیک فهمیدن و دریافتن کنه و عمق مطلب است.<sup>۲۵</sup> علم اصول فقه، روش کشف و استنباط احکام شرعی است، ولی قواعد فقه، نهادها و بنیادهای کلی فقهی است که باتوجه به کلیت و شمول خود، فقیه در موارد مختلف از آنها استفاده می کند.<sup>۲۶</sup> کریمی و همکاران در مقاله «ناسازگاری (تعارض و تراحم) قواعد الگوی مصرف فرد مسلمان»، به بررسی راهکارهای حل تعارض و رفع تراحم میان قواعد مصرفی، به مفاهیم توسعه و انفاق تاکید کرده اند.<sup>۲۷</sup> تمام مذاهب خمسسه، در اصل وجود این قاعده و لزوم برگزیدن اهم بر مهم به هنگام تراحم احکام در مقام عمل مشترک اند، اما ادله و مبانی شرعی قاعده در آنها متفاوت است؛ یعنی در برخی ادله، همچون کتاب و سنت مشترک اند و در ادله دیگر چون اجماع، عقل، قیاس، استحسان، مصالح مرسله و سدذرایع اختلاف دارند. این قاعده را عمدتاً باید در تراحم احکام بررسی کرد. در باب تراحم نیز توجه به مصالح و مفاسد، ترتب احکام، زمان و مکان، از جمله مواردی است که احرازکننده قاعده اهمیت شمرده می شود.<sup>۲۸</sup> کامیازاده و همکاران در مقاله ای با عنوان «حق بر شهر»، به بررسی اسناد بین المللی و داخلی کشور درباره حق بر شهر و اهمیت آن به عنوان حقوق بنیادین بشری در شهر و شهرسازی پرداخته اند.<sup>۲۹</sup>

منابع چهارگانه مورد تحقیق و استناد علم فقه از نظر شیعه (به استثنای گروه قلیلی از ایشان که با عنوان «اخباریان» شناخته می شوند) عبارت است از: کتاب خدا (قرآن کریم)، سنت؛ به معنای قول و فعل و تقریر پیامبر اکرم (ص) یا ائمه معصومان (ع)، عقل (و دلایل و استنادات عقلی)، اجماع. اجماع بر دو گونه است: در نوع اول، خود مجتهد در اثر تفحص در تاریخ، آرا و عقاید صحابه یا مردم نزدیک به عصر رسول اکرم (ص) یا ائمه (ع) را به دست آورده است، ولی در نوع دوم، دیگران نقل کرده اند که در خصوص آن اجماع صورت گرفته است؛ لذا اجماع اول دارای اهمیت و برای مجتهد حجت است، ولی در نوع دوم، اگر از نقلی که شده یقین حاصل نشود، اعتمادش دنی نیست.<sup>۳۰</sup> این چهار منبع در اصطلاح فقها و اصولیان، مشهور به ادله اربعه است.<sup>۳۱</sup>

۲۴. دیلمی و جلیلی مراد، «قاعده اهم و مهم و کارکردهای حقوقی آن»، ۷.

۲۵. قلندریان گل خطمی و حقیقت بین، «کاربرد فقه در تحقق منظر شهری امن»، ۵.

۲۶. محقق داماد، قواعد فقه، ۳ تا ۳۲.

۲۷. کریمی و همکاران، «ناسازگاری (تعارض و تراحم) قواعد الگوی مصرف فرد مسلمان»، ۳۵.

۲۸. اسفندیاری و همکاران، «ارزیابی مقایسه ای ادله و مبانی مذاهب پنج گانه فقهی در باب قاعده اهم و مهم»، ۲۰۱.

۲۹. کامیازاده و همکاران، «حق بر شهر»، ۲۵۰.

۳۰. مطهری، مجموعه آثار، ۱۲۱.

۳۱. علی آبادی و هاشمی، «ضرورت رویکردی نو در تدوین قوانین و مقررات معماری اسلامی، بر مواد مربوط به حریم بصری در قانون مدنی ایران؛ تأملی بر تأثیر قاعده فقهی لاضرر»، ۲۰ تا ۲۱.

به‌طورکلی، پژوهش‌های موجود در زمینه فقه و معماری و شهرسازی، به‌طور مستقیم به موضوع اهم و مهم در پروژه‌های شهری و شهرسازی نپرداخته‌اند و این خلأ از لحاظ نظری وجود دارد که نوشتار حاضر بر آن تمرکز کرده است.

## ۱. چهارچوب و مبانی نظری پژوهش

### ۱.۱. واژه‌شناسی

**قاعده فقهی:** در تعریف اصطلاحی قاعده فقهی چنین گفته شده است: «قاعده، امری (حکمی) است کلی (فرعی الهی) که به‌هنگام شناسایی احکام جزئیات از آن، بر تمامی جزئیات خود منطبق باشد.»<sup>۳۲</sup>

**اهم:** مراد از «اهم» از نظر لغوی امری را گویند که انجام آن از اهمیت بسزایی برخوردار است و نیز به معنای امری که مهم‌تر است؛ خواه از نظر مصلحت اهمی که دارد و خواه مفسده اهم آن.<sup>۳۳</sup>

**مهم:** «مهم» از ریشه «همم م»، در لغت عبارت است از: «الهِمَّة» با هاء مکسور، به معنای توجه قلب به هر چیزی؛ «آهنگ آن چیز را کرد و آن را خواست تا انجام دهد.»<sup>۳۴</sup>

**تعارض و تراحم:** «تعارض» در اصطلاح فقهی و اصولی، به معنای هم‌عرض بودن دو قاعده و لزوم اختیار و درستی یکی است. تعارض، عدم امکان جمع میان دو دلیل در مرحله قانونگذاری و تراحم، عدم امکان جمع دو حکم در مرحله اجرای قانون است.<sup>۳۵</sup> از جمله مصادیق تراحم عبارت است از: استلزام تعریض خیابان به منظور مصلحت جامعه با تخریب منازل افراد و سلب حق آنان.<sup>۳۶</sup>

### ۱.۲. مصلحت و اهم و مهم در قرآن و روایات

«وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»<sup>۳۷</sup> و در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند بجنگید، ولی از اندازه درنگذرید، زیرا خداوند تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد. اسلام می‌گوید: «كُلُّ مَا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ حَكَمٌ بِهِ الشَّرْعِ»، این کلام فقهاست. فقها آنجا که گفته‌اند: «كُلُّ مَا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ حَكَمٌ بِهِ الشَّرْعِ»، چنین مواردی را گفته‌اند؛ یعنی هر جا که عقل مصلحت ملزمی را کشف کند، می‌دانیم که شرع هم حکم هماهنگ با آن دارد و هر جا که عقل مفسده ملزمی را کشف کند، می‌فهمیم که

۳۲. تهانوی، موسوعه کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، ۱۱۷۶ تا ۱۱۷۹.

۳۳. صفار، فقه المصالح و المقاصد، ۲۴.

۳۴. تهانوی، موسوعه کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، ۱۷۴۴.

۳۵. کریمی و همکاران، «ناسازگاری (تعارض و تراحم) قواعد الگوی مصرف فرد مسلمان»، ۴۲.

۳۶. مطهری، مجموعه آثار، ۳۳۲/۲۱.

۳۷. بقره: ۱۹۰.



شرع هم در اینجا هماهنگ است، ولو اساساً در قرآن و حدیث و کلمات علما کلمه‌ای در این زمینه نیامده باشد و به همین دلیل ممکن است عقل، مصلحت ملزومی و مفسده ملزومی را در موردی کشف کند که این مصلحت ملزم یا مفسده ملزم با حکمی که اسلام بیان کرده است تراحم یابد؛ یعنی حکمی که اسلام بیان نکرده ولی عقل کشف کرده است، با حکمی که اسلام بیان کرده است، تراحم یابد و آنچه که اسلام بیان نکرده است، مهم تر باشد از آنچه که بیان کرده است؛ یعنی آنچه که عقل از اسلام کشف کرده است، مهم تر باشد از آنچه که اسلام بیان کرده است. اینجا حکم عقل می‌آید آن حکم بیان شده شرع را محدود می‌کند و اینجا است که ای بسا که مجتهدی می‌تواند حلال منصوص شرعی‌ای را به سبب مفسده‌ای که عقلش کشف کرده است، تحریم کند یا حتی واجبی را تحریم کند یا حرامی را به حکم مصلحت لازم‌تری که فقط عقلش آن را کشف کرده واجب کند و امثال این‌ها.<sup>۳۸</sup>

از رسول اکرم (ص) چنین روایت شده است: «إِذَا اجْتَمَعَتْ حُرْمَتَانِ طُرِحَتِ الصُّغْرَى لِلْكُبْرَى»؛ آنجا که دو امر دارای حرمت جمع شد، باید از کوچکتر به سبب بزرگتر صرف نظر کرد.<sup>۳۹</sup> امام علی (ع) فرمود: هرکس به چیزی که مهم نیست پردازد، آنچه را که اهمیت بیشتری دارد از دست می‌دهد.<sup>۴۰</sup> امام علی (ع) در حکمت ۲۷۹ نهج البلاغه می‌فرماید: «إِذَا أَضْرَتِ النِّوَافِلُ بِالْفَرَائِضِ فَارْفُضْهَا»؛ اگر مستحبات و عبادات به واجبات ضرر رساند، آن‌ها را دور بيفکنید. همچنین در حکمت ۳۹ می‌فرماید: «لَا قُرْبَةَ بِالنَّوَافِلِ إِذَا أَضْرَتْ بِالْفَرَائِضِ». بر مبنای ما، مستحبات هم دارای ملاک هستند، ولی ملاک واجب، قوی‌تر است و اینجا هم تراحم هست و حکم استجابی هم دلیل می‌خواهد.

### ۱. ۳. آرای متفکران و فقهای شیعه

در بسیاری از موارد، بین حقوق شهروندی و خیلی از احکام اولیه تکلیفی یا وضعی تراحم می‌شود، لذا فقیه باید در اینجا ضابطه‌ای بدهد که کدام یک از این‌ها مقدم‌اند؟ ممکن است گمان شود که حقوق شهروندی از احکام ثانویه است، لکن این طور نیست؛ حقوق شهروندی از احکام اولیه است، چون حقوق اخوان مؤمنان برای ذات طبیعی عناوین خودش جعل شده است، لذا این‌ها از احکام اولیه هستند.<sup>۴۱</sup>

«ترتّب» نظریه‌ای است در اصول فقه شیعه، به معنای فعلیت یافتن واجب مهم در صورت انجام ندادن واجب اهم، در فرض تراحم میان اهم و مهم. ترتّب در لغت، به معنای ثابت و بی حرکت بودن و در جای

۳۸. مطهری، اسلام و نیازهای زمان، ۲۲/۲.

۳۹. مطهری، مجموعه آثار، ۱۹۴/۳.

۴۰. امام علی علیه السلام، نهج البلاغه، ۸۶۰۷.

۴۱. سیفی مازندرانی، قاعده اهم و مهم، ۱.

خود ایستادن است. هرگاه مکلف، به طور هم‌زمان با دو واجب شرعی متزاحم مواجه باشد، بدین معنا که در زمانی معین فقط بتواند یکی از آن دو را انجام دهد؛ در این صورت، اگر یکی از آن دو (مانند نجات غریق) در نظر شارع مهم‌تر از دیگری (مانند خواندن نماز) باشد، وظیفه او انجام‌دادن واجب مهم‌تر است و در آن ظرف زمانی، موظف به انجام‌دادن واجب دیگر نیست.<sup>۴۲</sup>

فقها در باب مقدمه واجب، به خصوص مطرح کرده‌اند که در این مورد هم باید توضیحی برایتان عرض کنم: سخن ما در اینکه هدف، وسیله را مباح نمی‌کند و نیز سخن علامه طباطبایی در هدف نبوت این بود که ما در راه ایمان برای حفظ و تقویت ایمان مردم، در راه دعوت مردم به حق و حقیقت و اسلام نباید از باطل استفاده کنیم؛ یعنی ایمان و دعوت به راه حق، طبیعتش، طبیعتی است که وسیله پوچ و باطل نمی‌پذیرد. سخن ما در اینجا بود، نه در جای دیگر. آیه‌ای که ایشان به آن استدلال می‌کنند، آیه بسیار عتاب‌آمیزی راجع به پیغمبر اکرم است: «وَلَوْلَا اِنْ تَبَتُّنَاكَ لَقَدْ كُنْتَ تَرْكُنُ اَلَيْهِمْ شَيْئاً قَلِيلاً. اِذَا لَادُقُّنَاكَ ضِعْفَ الْحَيٰوةِ وَ ضِعْفَ الْمَمٰتِ.»<sup>۴۳</sup>

باب تزاحم، در مقام امثال و عمل است، نه مقام واقع؛ زیرا در نفس الأمر، ملاک‌ها، هیچ‌گونه تزاحم و ناسازگاری با هم ندارند و در مقام عمل است که گاه مکلف نمی‌تواند به همه آن موارد عمل کند. اینجاست که عقل وارد میدان می‌شود و در صورتی که جانب یک طرف اهمیت بیشتری داشته باشد، آن را بر می‌گزیند. انسان در مقام عمل در این موارد با سه صورت ممکن است مواجه شود: ۱. تزاحم میان دو مصلحت که در این صورت مصلحت اهم مقدم می‌شود؛ ۲. تزاحم میان دو مفسده؛ یعنی امر به‌گونه‌ای است که مکلف نمی‌تواند هر دو مفسده را ترک کند و ناگزیر از ارتکاب یک طرف است. در این صورت، مفسده اقل را مقدم می‌دارد؛ ۳. تزاحم میان مصلحت و مفسده است؛ برخی در این صورت قائل‌اند که دائماً جانب ترک مفسده اخذ می‌شود، اما این کلیت صحیح نیست؛ زیرا گاهی انجام مصلحت، اهم از ترک مفسده است. لذا باید دید مصلحتی که از ترک مفسده حاصل می‌شود دارای چه درجه‌ای از اعتبار است و با مصلحت مقابل، مقایسه شود.<sup>۴۴</sup>

هرگاه به سبب قانون اهمیت، یکی از واجب‌ها بر دیگری مقدم شود، وجوب واجب دیگر، به عدم اشتغال مکلف به واجب اهم مشروط است؛ در این صورت، وجوب واجب مهم را وجوب ترتبی می‌

۴۲. بنیاد دائرة المعارف اسلامی، دانشنامه جهان اسلام، ۳۴۳/۱.

۴۳. اسرا: ۷۴ و ۷۵.

۴۴. ربانی، قاعده اهم و مهم، ۱.

نامند.<sup>۴۵</sup> به نظر ایشان، اگر مصلحت و مفسده در مقابل هم قرار گیرند و نتوانیم به هر دو عمل کنیم، جانب اهم را اخذ می‌کنیم و اگر مفسده غالب باشد، باید از آن دوری کرد.

از جمله احکام بیان شده در قرآن، حرمت خوردن گوشت مردار است، اما اگر انسان در موقعیتی قرار بگیرد که ناچار باشد از گوشت مردار بخورد و اگر این کار را نکند جان او به خطر می‌افتد و تلف می‌شود، ادله زیادی داریم که حفظ نفس واجب است؛ بنابراین در چنین حالتی، امر دایر است بین اینکه انسان از گوشت حرام بخورد یا جانش به خطر افتد و از آنجایی که حفظ نفس اهمیت بیشتری دارد، شارع مقدس اجازه داده است که انسان مضطر، از گوشت مردار بخورد.<sup>۴۶</sup> بر این اساس، در قانون باید اهم و مهم رعایت شود. حفظ جان، مهم‌تر از حرام بودن مصرف مردار است. پس در اسلام، بن بست نیست؛ «وقتی اضطرار پیش آید، مصرف حرام‌ها مجاز می‌شود.»<sup>۴۷</sup> در قرآن، موضوع اهم و مهم رعایت شده است؛ شاهد مثال آن، آیه ۶۰ سوره توبه است که به ترتیب، به ذکر کسانی که در دادن صدقه در اولویت هستند، پرداخته است.<sup>۴۸</sup> از آیه‌ای دیگر<sup>۴۹</sup> چنین مستفاد می‌شود که در تراحم ارزش‌های انسانی باید اهم رعایت شود. ارزش دفاع از مظلوم، بیش از ارزش حیا و سکوت است.<sup>۵۰</sup>

قاعده اهم و مهم، به دلیل ماهیت عقلی خود، گستره وسیعی دارد و در هر موردی به کار می‌رود که دو حکم، متزاحم و رودررو باشند. تراحم دو حکم ممکن است در حقوق متقابل مردم و حکومت ایجاد شود، همچنان که ممکن است در حقوق متقابل افراد یا دو حکم مربوط به امور عمومی ظهور یابد.<sup>۵۱</sup> رابطه قاعده اهم و مهم با «هدف، وسیله را توجیه می‌کند»؛ نگاهی به آرای فقهای شیعه در این زمینه و مراجعه و ریشه‌یابی قاعده اهم و مهم و مرجحات باب تراحم نشانگر آن است که قرآن کریم و روایات اهل بیت، تنها در مورد خاص «حفظ یا نجات جان انسان‌ها» اجازه استفاده از امور ممنوعه را می‌دهد و تعمیم آن به تمامی موارد اهم و مهم روا نیست.<sup>۵۲</sup>

قاعده عقلی اهم و مهم و نقش آن را در استنباط احکام و اجتهاد دینی به صورت اجمال بیان کنید؟ پاسخ: اصل یا قاعده اهم و مهم، از اصول و قواعد عقلی است و اگر در منابع نقلی نیز به آن تصریح یا

۴۵. صدر، دروس فی علم الأصول، ۲/۲۱۵.

۴۶. بقره: ۱۷۳.

۴۷. قرآنی، تفسیر نور، ۳/۳۷۲.

۴۸. سزواری، مواهب الرحمن، ۴/۳۵۰.

۴۹. نساء: ۱۴۸.

۵۰. قرآنی، تفسیر نور، ۲/۴۲۱.

۵۱. شریعتی، قواعد فقه سیاسی، ۸۰ تا ۸۷.

۵۲. مفتاح، «قاعده اهم و مهم و نظریه غیراخلاقی توجیه»، ۱۴۵.

اشاره شده است، جنبه ارشادی دارد، نه تعبدی و مولوی. این قاعده عقلی، از جمله اصول کلیدی در فقه اسلامی و ابزاری کارآمد در دست مجتهدان است. براساس آن، چه بسا کاری که واجب است، حرام یا کاری که حرام است، واجب می‌شود. قاعده اهم و مهم، مربوط به موارد تراحم ملاک‌های احکام در مقام عمل به آن‌هاست، یعنی مکلف نمی‌تواند به دو حکم شرعی اهم و مهم عمل کند و تنها بر انجام یکی از آن دو قادر است. در اینجا باید به اهم عمل کند و مهم را فرو گذارد.<sup>۵۳</sup>

به‌طور کلی می‌توان گفت که بنابر قاعده فقهی اهم و مهم در تشخیص مصلحت و اولویت بین دو مسئله یا قاعده فقهی، اهم از مهم ارجح است. در این راستا، چند نکته حائز اهمیت است: اولاً، ملاک انتخاب و ارجحیت بین دو یا چند مسئله مستحب و واجب، ملاک واجب قوی‌تر است. ثانیاً، ارجحیت در موارد خاص، مانند حفظ یا نجات جان انسان‌هاست و مجوزی برای استفاده از امور ممنوعه نیست. ثالثاً، در تعیین مصلحت و انتخاب ارجحیت، مشورت و کسب نظر متخصصان فقهی و متخصصان حوزه‌های مرتبط ضروری است. رابعاً، با توجه به بروز مسائل تراحم و تعارض حقوقی و فقهی در حوزه‌های مختلف؛ از جمله شهر و شهرسازی، ضروری است که برنامه‌ریزان و طراحان شهری، ضمن آشنایی با قواعد فقهی مرتبط با تخصص شهرسازی و مدیریت شهری، بر اهم و مهم برنامه‌ها و طرح‌ها واقف باشند.

#### ۱. ۴. مسائل شهری و مصلحت اجتماع

تخریب منازلی که سبب پدیدار شدن ترافیک می‌شود و در رفت‌وآمد مردم اختلال ایجاد می‌کند، تخریب مساجدی که در مسیر توسعه ضروری خیابان‌ها قرار دارد، از جمله مصادیقی است که با اموری، از جمله: «عدم جواز تخریب مساجد» و «حق سلطه هر فرد بر خانه و اموال تحت اختیارش» و «عدم جواز تخریب مسجد» در تراحم است. «جواز یا استحباب تعدد نسل مسلمانان با لازمه آن یعنی تضعیف جامعه اسلامی در تراحم است».<sup>۵۴</sup> در فرایند قانونگذاری و برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌ها در حوزه شهرسازی، همواره باید مصلحت عمومی مد نظر قرار گیرد که شامل مصالح مادی و معنوی عموم مردم و محیط زیست و سایر جانداران می‌شود. به‌هنگام تراحم مصالح نیز قانون اهم و مهم جاری است؛ یعنی باید مصلحت اهم را بر مصلحت مهم ترجیح داد. برای مثال، اگر منزل یا مجتمع تجاری در مسیر توسعه شهری قرار گرفته است، باید مصالح عمومی را بر مصالح فرد یا عده‌ای محدود ترجیح داد و ضمن رعایت حقوق آن افراد، منزل و مجتمع تجاری را تخریب کرد. همچنین با توجه به مصلحت عمومی مردم و محیط زیست در مناطق با تراکم جمعیتی زیاد، اجازه ساخت‌وساز جدید داده نشود و ضمن چشم‌پوشی از منافع زودگذر، از

۵۳. مطهری، اسلام و نیازهای زمان، ۲۱/۱ و ۱۳۹.

۵۴. ایزدهی، مصلحت در فقه سیاسی شیعه، ۷۶ تا ۷۵.

فروش تراکم خودداری شود.<sup>۵۵</sup> یکی دیگر از مصادیق قاعده مصلحت، توجه به داده‌های آمایش سرزمین در حوزه شهرسازی و توسعه شهرهاست. در سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی نیز در خصوص آمایش سرزمین، مواردی ذکر شده است که اهمیت جدی مسئله را نمایان می‌سازد. پیگیری آمایش سرزمین، مبتنی بر اصول ذیل در این سند مطرح شده است. این موارد می‌توانند به‌عنوان رسالت آمایشی سرزمین مطرح شوند: ملاحظات امنیتی و دفاعی، کارایی و بازدهی اقتصادی، وحدت و یکپارچگی سرزمین، گسترش عدالت اجتماعی و تعادل‌های منطقه‌ای، حفاظت محیط زیست و احیای منابع طبیعی، حفظ هویت اسلامی ایرانی و حراست از میراث فرهنگی، تسهیل و تنظیم روابط درونی و بیرونی اقتصاد کشور، رفع محرومیت‌ها به‌خصوص در مناطق روستایی کشور. حصول نتایج فوق در اهمیت قائل شدن و سرلوحه قراردادن آمایش سرزمین در تدوین برنامه‌ریزی توسعه کشور است و این امر منجر به تأمین منافع ملی و حفظ امنیت ملی در زیرساختی محکم و پایدار خواهد شد. براین اساس، آیا می‌توان تنها به گسترش شهرها پرداخت و شهرهای متوسط را تبدیل به کلان‌شهر کرد و معضلات فراوان اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی؛ اعم از ترافیک، آلودگی هوا، وقوع بزهکاری و... را شاهد بود. قاعده فقهی مصلحت اقتضا می‌کند که کارشناسان با تشخیص مصالح عمومی و ملی و با پایه قراردادن نتایج پژوهش‌های انجام‌گرفته، طرح‌های توسعه و طرح‌های تفصیلی ساخت‌وساز شهرها را طراحی و اجرا کنند.<sup>۵۶</sup>

از جمله موارد باب تراحم، مواردی است که مصلحت فرد (یعنی حکمی که به‌سبب مصلحت فرد است) با مصلحت اجتماع تراحم و تعارض می‌یابد. البته در همه موارد این‌طور نیست، ولی گاهی پیش می‌آید که مصلحت فرد با مصلحت جمع تعارض پیدا می‌کند. خیلی واضح است: برای اسلام همه افراد علی‌السویه هستند، ولی وقتی که پای ترجیح مصلحت فردی یا مصلحت جمعی در میان است، بدیهی است که آن جمع، همین فرد است، به‌علاوه هزارها یا میلیون‌ها افراد دیگر؛ یعنی مصلحت فرد در آنجا هزارها یا میلیون‌ها برابر شده است، [در اینجا] فرد را فدای جمع می‌کند.<sup>۵۷</sup> یافته‌های جدید دانش اصول حاکی است که تنها مرجح مطمئن در تراحم احکام، قانون اهم و مهم است. قانون اهم و مهم که مبتنی بر مصالح احکام است، بیان می‌کند که اگر نزد شارع، مالک یکی از دو حکم، از مالک حکم دیگر قوی‌تر باشد، همان حکم بر حکم دیگر مقدم می‌شود. یکی از مصادیق قانون اهم و مهم، همان قانون دفع افسد به

۵۵. عندلیب، «بررسی و تبیین اصول و قواعد شهرسازی از منظر فقه اسلامی»، ۲۲ تا ۲۱.

۵۶. عندلیب، «بررسی و تبیین اصول و قواعد شهرسازی از منظر فقه اسلامی»، ۲۲.

۵۷. مطهری، اسلام و نیازهای زمان، ۱۷.

فاسد است که چیزی جز اهمیت سنجی اعمال حرام نیست. بنابراین، ماهیت قانون اهم و مهم، همان تشخیص مصلحت و مفسده موجود در احکام و سنجش آن‌ها با یکدیگر است.<sup>۵۸</sup> حق، گاهی با حکمی صرفاً شرعی که در بردارنده حق الناس نیست و گاهی هم با حقی دیگر تنافی می‌یابد که حالات مختلف آن عبارت‌اند از: ا. تقدیم حق الناس بر حق الله، ب. تقدیم حق الله بر حق الناس، ج. تفصیل بین موارد.<sup>۵۹</sup> تزاخم مصلحت در باب خرج‌های شهری می‌تواند در همان انواع خرج‌های شهری و مصادیق آن‌ها در قالب تقدم مصلحت اجتماع بر مصلحت فرد تبیین شود که در قالب جدول شماره ۱ ملاحظه‌شدنی است.

جدول ۱. تزاخم مصلحت در مقیاس زندگی شهری و مدیریت شهری (نگارنده)

تزاخم مصلحت		مصادیق مسائل در مقیاس زندگی شهری و مدیریت شهری	انواع مسائل
تقدم مصلحت اجتماع بر مصلحت فرد	تقدم حمل و نقل عمومی بر خصوصی تقدم حقوق افراد کم‌توان	اختلال در ترافیک سواره، ازدحام پیادگان، بوروکراسی، مسائل فضای مجازی، تضییع حقوق شهروندی، مشقت برای معلولان	مسائل اجتماعی
	محدودیت‌های حضور در فضاهای عمومی، ایمن‌سازی بناها و فضاها، تدابیر ویژه رفع آلودگی‌ها	شیوع بیماری‌های همه‌گیر، ناایمن بودن بناهای عمومی به‌ویژه در سوانح و بحران‌ها (سیل، زلزله، طوفان و...)، آلودگی آب و هوا و صدا	مسائل جسمانی
	کنترل و اتخاذ مقررات و محدودیت‌های لازم	ترس و ناامنی در بناها و فضاهای عمومی، استرس‌های محیطی	مسائل روحی روانی
	سامان‌دهی، تقدم راحتی اجتماع بر فرد	دلالی و بی‌نظمی اقتصادی، اتلاف سرمایه عمومی، واسطه‌گری	مسائل مالی

۵۸. جزایری و عشایری منفرد، «قلمرو مصلحت و عدالت در تزاخم احکام و حقوق زنان»، ۲۶.

۵۹. جزایری و عشایری منفرد، «قلمرو مصلحت و عدالت در تزاخم احکام و حقوق زنان»، ۳۳ تا ۳۲.

### ۱. ۵. شرط تقدم اهم بر مهم

از آنجاکه براساس کتاب و سنت، قوانین دین اسلام کامل است و هیچ گونه نقصی ندارد، لذا زمینه‌ای برای تشریح حکمی از احکام ثابت الهی از سوی معصومان باقی نمانده است و آنچه که در روایات درباره برخی از اختیارات امیرالمؤمنان در قراردادن زکات برای غیر موارد محصور یا از بعضی از ائمه در توسعه موارد خمس نقل شده است؛ از جمله احکام اجرایی و حکومتی است که جنبه کلی و دائمی و ثابت ندارد.<sup>۶۰</sup>

از نظر لغوی، «اهم» امری را گویند که انجام آن از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ یعنی امری که مهم‌تر است؛ خواه مهم‌تر از نظر مصلحتی که دارد یا مفسده‌ای که در آن است. در واقع، «اهم»؛ یعنی مهم‌تر و به امری اهم می‌گویند که دارای مصلحت بیشتری و ضرر کمتری راجع به دیگری باشد و در برابر آن مهم قرار دارد. اهم و مهم در اصطلاح فقهی، به معنای تقدم حکم مهم‌تر است، در جایی که بین دو حکم (مهم و مهم‌تر)، اعم از حق یا تکلیف، در مقام عمل، مزاحمت دوجانبه وجود دارد؛ یعنی باید به حکم اهم عمل کرد.<sup>۶۱</sup> سنجه‌های تشخیص اهم در باب تزاحم، از جمله مباحث ارزشمندی است که تاکنون به صورت دقیق شناسایی و واریسی نشده است. برای تعیین اهم قطعی یا احتمالی، عقل باید تمامی سنجه‌ها و کسر و انکسار آن‌ها را رصد کند و با در نظر گرفتن شرایط تزاحم، به اهم قطعی یا احتمالی دست یازد.<sup>۶۲</sup> یکی از مسائل مهم در حل مسائل فقه شهر و شهرنشینی، تزاحم منافع شخصی افراد با منافع عمومی شهر است. این امر به قدری مصادیق متعدد دارد که می‌توان از آن به عنوان قاعده‌ای فقهی یاد کرد. براساس این قاعده، در تزاحم بین مصالح شهری و منافع شخصی افراد، همواره لازم است منافع شهر را مقدم کرد. برای اثبات این امر به ادله متعددی تمسک شده است؛ از جمله برخی آیات قرآن، سیره عقلا، قاعده حرمت اخلال نظام و ارتکاز شرعی. اما نتیجه این است که نمی‌توان همواره حکم به تقدیم یکی از این دو بر دیگری کرد، بلکه تقدم هریک، تابع اهم بودن آن نسبت به دیگری است. بنابراین، هریک از مصالح شهری و مصالح فردی که اهم بود، بر دیگری مقدم می‌شود، اگرچه معمولاً این مصالح شهری است که اهم از مصالح فردی قرار می‌گیرد و مصالح فردی غالباً در جانب مهم قرار می‌گیرند.<sup>۶۳</sup>

در تشخیص مصلحت مهم‌تر، سنجه‌هایی وجود دارد که ما را یاری می‌رساند: ۱. اخروی و دینی و

۶۰. مکارم شیرازی، انوار الفقهیه، ۵۷۲/۱.

۶۱. دیلمی و جلیلی مراد، «قاعده اهم و مهم و کارکردهای حقوقی آن»، ۹.

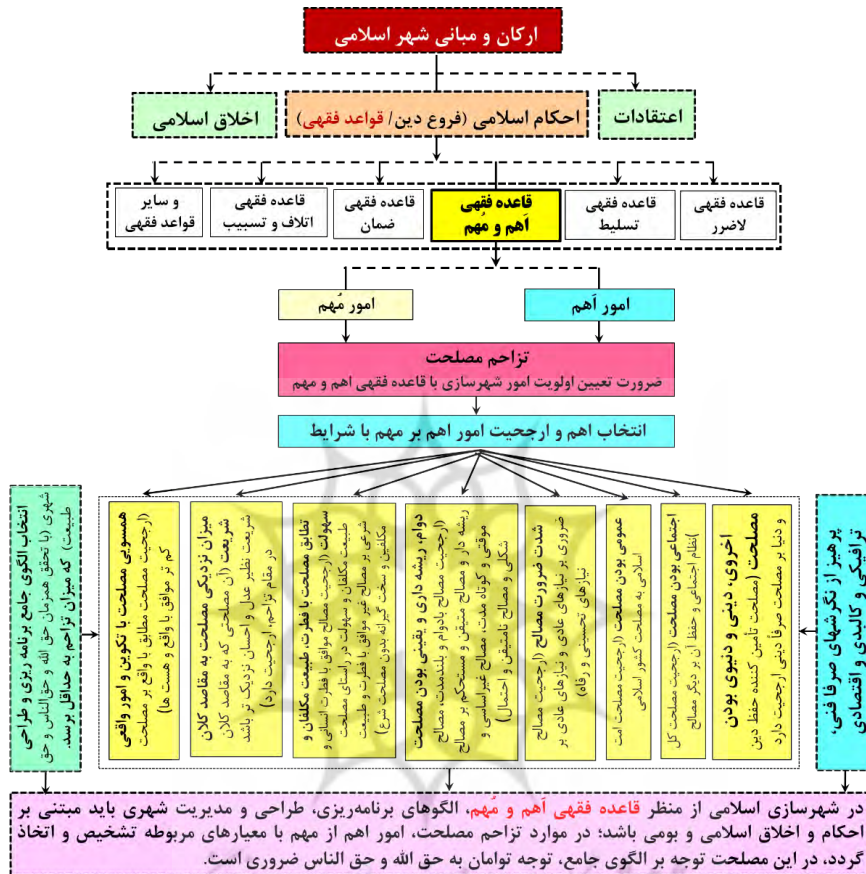
۶۲. واعظی و همکاران، «واریسی اولویت‌های برآمده از متون شرعی در تشخیص اهم»، ۱۹۱.

۶۳. دزی، «قاعده تقدیم مصالح شهری بر مصالح شخصی»، ۳۷.

دنیوی بودن مصلحت؛ مصلحت تأمین‌کننده حفظ دین و دنیا بر مصلحت صرفاً دینی ارجحیت دارد؛ مثلاً ارجحیت جهاد بر حج هنگام تراحم این دو؛ ۲. اجتماعی بودن مصلحت؛ ارجحیت مصلحت کل نظام اجتماعی و حفظ آن بر دیگر مصالح؛ ۳. عمومی بودن مصلحت؛ ارجحیت مصلحت امت اسلامی به مصلحت کشور اسلامی و همچنین در سطوح دیگر. برای مثال، ارجحیت پرداخت خمس و زکات توسط افرادی که دارای مصلحتی فراگیر و عام است بر ایجاد زحمت و سختی برای این افراد خاص؛ ۴. شدت ضرورت مصالح؛ ارجحیت مصالح ضروری بر نیازهای عادی و نیازهای عادی بر نیازهای تحسینی و رفاهی؛ ۵. دوام و ریشه‌داری و یقینی بودن مصلحت؛ ارجحیت مصالح بادوام و بلندمدت، مصالح ریشه‌دار و مصالح متیقن و مستحکم، بر مصالح موقتی و کوتاه مدت، مصالح غیراساسی و شکلی و مصالح نامتیقن و احتمالی؛ ۶. تطابق مصلحت با فطرت، طبیعت مکلفان و سهولت؛ ارجحیت مصالح موافق با فطرت انسانی و طبیعت مکلفان و سهولت در راستای مصلحت شرعی، بر مصالح غیر موافق با فطرت و طبیعت مکلفان و سخت‌گیرانه بدون مصلحت شرعی؛ ۷. میزان نزدیکی مصلحت به مقاصد کلان شریعت؛ آن مصلحتی که به مقاصد کلان شریعت، نظیر عدل و احسان نزدیک‌تر باشد، در مقام تراحم، ارجحیت دارد؛ ح. همسویی مصلحت با تکوین و امور واقعی؛ ارجحیت مصلحت مطابق با واقع، بر مصلحت کمتر موافق با واقع و هست‌ها؛ ۸. سایر سنجه‌ها؛ مصلحت همسوتر با دیگر مصالح مدّ نظر شارع ارجحیت دارد بر دیگر مصالح.<sup>۶۴</sup>

بنابراین، ترجیح‌دادن مصالح عمومی بر مصالح فرد یا عده‌ای محدود در احداث پروژه‌ها می‌تواند از مصادیق کاربرد این قاعده در پروژه‌های توسعه شهری باشد. برخی مواقع ممکن است که پروژه‌های شهری، منطقه‌ای یا ملی تعریف شود که در شرایط زمانی و مکانی خاصی، اسراف باشد یا نسبت به برخی امورات دیگر در اولویت نباشد. برای مثال، برخی ابرپروژه‌ها که با صرف هزینه‌های هنگفت برنامه‌ریزی و طراحی و اجرا می‌شوند، درحالی‌که می‌توانست برای حل مسائل مهم‌تری، از قبیل زیرساخت‌های شغلی و آسیب‌های اجتماعی و... هزینه شوند. از این رو، می‌توان چهارچوب مفهومی پژوهش را به شرح زیر ارائه کرد.





## ۲. بحث و یافته‌ها

### ۲.۱. مصادیق اهم و مهم در شهر و شهرسازی

«اهم و مهم» در شهر و شهرسازی شامل مصادیق متعددی در دوره معاصر است که در زیر به آن‌ها می‌پردازیم. در هرکدام از مصادیق زیر، ذکر این نکته ضروری است که در کنار اهم بودن امری بر امر دیگر، شرایط و الزامات و بایدونبایدی برای اجرا و تحقق اهم وجود دارد که از نظر تخصصی باید به آن‌ها واقف بود و رعایت شود. این بایدونبایدی‌های تخصصی در هر اهمی، شامل مواردی است، مانند: حفاظت از

محیط زیست، حفاظت از حق الناس و بیت المال، توجه به الگوی ایرانی اسلامی در برنامه ریزی و طراحی و اجرای امر اهم.

**زیرساخت های شهری:** این پروژه ها شامل خطوط انتقال و ایستگاه های مدیریت آب، برق، گاز، مخبرات، فاضلاب، کنترل سیلاب و... است که برای حیات شهر و شهروندان حیاتی است و اهم بر سایر برنامه ها و طرح هاست، به طوری که در اختصاص بودجه و تعیین اولویت برنامه ها، بالاتر از سایر طرح ها قرار می گیرد.

**احداث معابر یا تعریض آنها:** گسترش شهرها نیازمند احداث فضاهای شهری و معابر بزرگتر و بیشتری است. همچنین برخی از بافت های شهری سنتی دارای معابر تنگ و باریکی است که در شرایط فعلی پاسخ گوی نیازهای تردد شهروندان و امداد و نجات و خودروهای اضطراری در شرایط ضروری نیست و نیازمند تعریض و گشایش معابر است که این امر، اهم در شهرسازی نسبت به بسیاری از برنامه ها و طرح هاست.

**احداث پل ها و زیرگذرها:** بسیاری از پل ها و زیرگذرها به دلیل مدیریت ترافیک و تسهیل تردد سواره احداث می شوند، این پروژه ها در شهرهای بزرگی همچون تهران و تبریز در دهه های گذشته احداث شده اند. شایان توجه است که امروزه در برخی کشورها با حذف پل های سواره، رویکردهای انتقال سواره به زیرزمین یا پیاده مداری و استفاده از حمل و نقل عمومی و دوچرخه و اختصاص فضا به شهروندان را در اولویت قرار می دهند که در تعیین اهم بودن احداث پل های روگذر تأمل برانگیز است. ضمن اینکه هزینه احداث این پروژه ها اغلب بسیار زیاد است. در برخی موارد دیگر، وجود مسیل یا رودخانه یا توپوگرافی و مشکلات دسترسی احداث پل را ضروری می سازد که در این دفعه، احداث پل، اهم بر سایر برنامه ها قرار می گیرد.

**برج سازی:** امروزه، برج سازی برای سودآوری، مدرن سازی شهر یا خودنمایی، مورد اقبال برخی از سرمایه گذاران و سازندگان و مدیران شهری است. احداث بناهای بلندمرتبه که پیچیدگی های متعددی را در امر تأمین تأسیسات و تجهیزات مربوطه به همراه دارد، می تواند به بروز مسائل مشکلات شهری دامن بزند. از جمله مسائل رایج شهری عبارت است از: آتش سوزی های بزرگ و دشواری مهار آن، سایه اندازی به بناهای مجار، اشرافیت به فضاهای خصوصی، تأمین پارکینگ کاربران و مراجعان، احتمال نقض حریم همسایگان و بناهای تاریخی پیرامون، تغییر در سبک زندگی شهر و شهروندان. در این شرایط، مسئله اهم، اولویت حقوق جمع و پیشگیری از تبعات احتمالی نسبت به سودآوری از طریق تراکم بالای ساختمانی است.

**پاساژسازی:** در دهه های اخیر، برخی سرمایه گذاران و شهرداری ها برای کسب درآمد و سودآوری، اقدام به احداث مجتمع های تجاری و هایپرستارها و مگامال می کنند که عواقب متعددی را به وجود می آورد که عبارت اند از: تعطیلی مغازه های پیرامون و کاهش رونق کسب و کارهای محلی، ترویج فرهنگ پاساژگردی و مصرف گرایی و سبک زندگی غیربومی، افزایش سرانه فضاهای تجاری در شهر که در حال حاضر نیز حدود سی برابر استاندارد جهانی است. پاساژسازی در شهرهای بزرگ و حتی شهرهای کوچک در حالی صورت می گیرد که اکثر شهرها با کمبود فضاهای سبز و باز و ورزشی مواجه اند. بنابراین، تعیین اهم در این امر، توجه بر نیازهای شهر و شهروندان، یعنی نیاز به فضاهای سبز و باز و ورزشی، به ویژه در مقیاس محلی است.

**احداث پارک های تفریحی:** در گذشته، شهرها و روستاها در پیوند با باغ ها و مزارع بوده و سبک زندگی سنتی مردم نیز اغلب در طبیعت و با کار و زندگی عجین بوده است. اما امروزه طرح های تفصیلی رایج با گسترش شهرنشینی و ساخت وسازهای متراکم، بافت های شهری بدون فضای سبز یا سرانه کم را به وجود آورده است. فضای سبز که اغلب در قالب پارک ها و بوستان های شهری و محلی طراحی و احداث می شود، نیاز به تفریح و ورزش و گذران اوقات فراغت و سلامت جسم و روان شهروندان و تخلیه اضطراری به هنگام وقوع بحران زلزله را تا حدی پوشش می دهد که اهم بر بسیاری از طرح های دیگر است.

**احداث مساجد محله و شهر:** در شهرسازی اسلامی، مرکزیت محله و شهر با مساجد محله و شهر تعیین می شود که پیرامون آن نیز برخی کاربری های مکمل فرهنگی، آموزشی و خدماتی محله و شهر نیز ارائه می شود. این مرکزیت، ضمن تأمین نیاز به فضای عبادی و فرهنگی، هویت محله و شهر اسلامی را ایجاد می کند که اهم بر سایر گونه های فضاهای فرهنگی و اجتماعی است. در بسیاری از شهرها و شهرک ها، بافت های مسکونی یا بدون مرکز و مسجد است یا فضاهای تجاری، مرکزیت آن را تشکیل می دهد. بی توجهی به مسجد محله و شهر، سبب رواج سبک زندگی غیربومی و تضعیف هویت اسلامی می شود.

**مسکن سازی:** احداث شهرک های مسکونی در قالب طرح های آماده سازی زمین یا مسکن انبوه است که به دلایلی، از جمله کمبود زمین، الگوی آن اکثراً بلوک های آپارتمانی است و برای تمامی متقاضیان با سلیق مختلف، به صورت یکسان طراحی و ارائه می شود. در حالی که الگوی خانه مسلمان، دارای الزاماتی همچون فراخ بودن، حریم و محرمیت، ارتباط با طبیعت و سادگی و درون گرایی است که این الگو، اهم است، در کنار آن یکی از اهم برنامه ریزی منطقه ای و آمایش سرزمین، توجه بر توزیع متوازن و متعادل جمعیت و صنعت و سکونتگاه ها با توجه به امکانات و ظرفیت های محیطی است که زمینه تحقق الگوی

خانه‌سازی و سبک زندگی ایرانی و اسلامی فراهم شود.

**زیباسازی فضاهای شهری:** در زیباسازی منظر فضاهای شهری باید ضمن استفاده از الگوهای اسلامی و ایرانی، از چشم و هم‌چشمی، تظاهر و خودنمایی، تبلیغات فریبنده و ترویج سبک زندگی غربی پرهیز شود. از جمله مسائل رایج منظر شهرهای معاصر عبارت است از: اختصاص هزینه‌های گزاف به زیباسازی فضاهای شهری، مجسمه‌های ناهمخوان با فرهنگ بومی و اسلامی، آشفته‌گی و بی‌هویتی. در این زمینه، در تعیین اهم مناظر شهری به مسائلی از این دست باید توجه داشت: ایمن و امن بودن، مستحکم و پایدار بودن، تذکر باید و نبایدهای سبک زندگی اسلامی، سادگی و پرهیز از مناظر غربی در برنامه‌ریزی و طراحی شهری.

## ۲.۲. آسیب‌شناسی برنامه‌ها و طرح‌های تک‌بعدی

طرح‌ها و برنامه‌های مسئله‌دار، اغلب تعارضاتی به دنبال دارد که با انتقاداتی از سوی مردم و متخصصان علوم اجتماعی، محیط‌زیست، معماری و شهرسازی و فقه و حقوق و نیز گروه‌های ذی‌نفع همراه است. این قبیل پروژه‌ها را می‌توان در چند دسته بررسی و آسیب‌شناسی کرد که عبارت‌اند از:

**طرح‌های با نگرش صرفاً فنی:** این‌گونه طرح‌ها؛ مانند طرح‌های ترافیکی، راه‌سازی، زیرگذر و روگذر سازی، برج‌سازی و انبوه‌سازی و تعریض‌های ترافیکی که با اولویت معیارها و اهداف صرفاً فنی و مهندسی طراحی می‌شوند، با بی‌توجهی یا کم‌توجهی به سایر ابعاد و عوامل اثرگذار در طرح همراه‌اند. از جمله مواردی که نادیده گرفته می‌شوند، شامل اموری از این قبیل است: حقوق مالکانه املاک واقع در طرح از طریق تملک اجباری، از بین رفتن اجزا و عناصر طبیعی؛ مانند پوشش گیاهی و قنات‌ها و گونه‌های گیاهی و جانوری و بستر زیست آن‌ها، بی‌توجهی به الگوهای معماری و شهرسازی سنتی و کم‌توجهی به سبک زندگی ایرانی اسلامی.

**طرح‌های با نگرش صرفاً اقتصادی:** این‌گونه طرح‌ها؛ مانند طرح‌های پاساژسازی، برج‌سازی، کارخانه‌جات، بساز و بفروشی که با اولویت معیارها و اهداف صرفاً اقتصادی طراحی می‌شوند، با بی‌توجهی یا کم‌توجهی به سایر ابعاد و عوامل اثرگذار در طرح همراه است. از جمله مواردی که نادیده گرفته می‌شوند شامل این امور است: تبعات اجتماعی و تغییر سبک زندگی به مصرف‌گرایی و چشم و هم‌چشمی و ایجاد فضاهای پرسه‌زنی و تبلیغات فریبنده و جلوه‌گری و تجمل‌گرایی، بی‌توجهی به الگوهای معماری و شهرسازی سنتی و کم‌توجهی به سبک زندگی ایرانی اسلامی و ایجاد تبعات زیست‌محیطی، اعم از جزایر گرمایی و مسائل عملکردی، مانند ازدحام ترافیکی و کمبود پارکینگ.

**طرح‌های با نگرش صرفاً کالبدی:** این‌گونه طرح‌ها با مداخلات و مقیاس گسترده در بافت‌های

شهری همراه است؛ مانند ابرپروژه‌ها و شهرک‌سازی و خیابان‌کشی‌هایی در بافت‌های تاریخی و قدیمی، پاساژسازی و برج‌سازی که با نگرش صرفاً فیزیکی و کالبدی احداث شده و بدون توجه به زمینه و ارزش‌های بافت شهری و با بی‌توجهی یا کم‌توجهی به سایر ابعاد و عوامل اثرگذار در طرح همراه است. از جمله مواردی که نادیده گرفته می‌شوند، شامل اموری از این قبیل است: تبعات اجتماعی و تغییر سبک زندگی به مصرف‌گرایی و چشم و هم‌چشمی و ایجاد فضاهای پرسه‌زنی و تبلیغات فریبنده و جلوه‌گری و تجمل‌گرایی، بی‌توجهی به الگوهای معماری و شهرسازی سنتی و کم‌توجهی به سبک زندگی ایرانی اسلامی و ایجاد تبعات زیست‌محیطی، اعم از جزایر گرمایی و مسائل عملکردی؛ مانند ازدحام ترافیکی و کمبود پارکینگ.

### ۲.۳. اهم و مهم در شهرسازی و شروط آن

تزاحم مصلحت ممکن است در برخی امور شهری به‌گونه‌ای مطرح شود که بایستی بنابر اولویت بین مصلحت اجتماع و منافع افراد تصمیم گرفت. برای مثال، یک پروژه عمرانی؛ مانند ایستگاه مترو، پارک یا تعریض خیابانی که مورد نیاز اجتماع است، نیازمند تملک برخی اراضی یا املاک واقع در طرح است. مطابق قاعده تسلیط، تملک اجباری مجاز نیست، درحالی‌که بدون تملک آن اراضی هم اجرای پروژه ممکن نیست. مطابق قاعده مصلحت و اهم و مهم، اجرای پروژه عمرانی شهری که مورد نیاز شهر است، در اولویت است و قاعده تسلیط در اولویت بعدی قرار می‌گیرد. اما مطابق سایر قواعد فقهی (مانند قاعده عدالت و قاعده انصاف) و نیز اخلاق اسلامی نباید منافع افراد تضييع و به مالکان ظلم شود. به عبارت دیگر، در فرایند تملک اراضی و تعیین قیمت، رضایت مالکان مدنظر باشد.

سوالی که مطرح می‌شود این است که الگوی تقدم مصلحت اجتماع بر منفعت فرد چه بازه‌ای را شامل می‌شود؟ به عبارت دیگر، آن طرح و برنامه عمرانی و شهری باید دارای چه ویژگی‌هایی باشد تا این قاعده بر آن مترتب باشد؟ در پاسخ این سوال می‌توان چنین بیان کرد که: ۱. برنامه‌ریز و طراح و مهندس و مدیر باید ضمن اعتقاد و پایبندی به احلام و اخلاق اسلامی، طرح را چنان طراحی و ارائه کند که حتی‌الامکان منفعت فرد یا افراد به خطر نیفتد و تملک املاک و اراضی دیگران مورد نیاز نباشد یا تعارض منافع به حداقل ممکن برسد؛ ۲. الگوی طراحی چنان باشد که با در نظر گرفتن تمامی ملاحظات تخصصی لازم و میان‌رشته‌ای، از جمله باید و نبایدهای زیست‌محیطی، اجتماعی، اقتصادی و فنی، حقوق همگان در طرح لحاظ شود و در صورت امکان، تمامی الگوها و روش‌های دیگر سنجیده شود تا احکام و اخلاق اسلامی در آن به طور منطقی و مطلوب رعایت شود و تعارض منافع نباشد.

**حق‌الله:** در برنامه و طرح‌های شهری، ضروری است که حقوق خداوند، براساس نظر متخصصان فقه

و دیگر متخصصان معماری و شهرسازی اسلامی در جنبه‌های مختلف رعایت شود. از جمله این حقوق الهی عبارت است از: رعایت حلال و حرام، پرهیز از ظلم به سایرین، رعایت حریم مساجد از لحاظ کالبدی و ارتفاعی و کارکردی.

**حقوق اجتماعی:** از جمله حقوق اجتماعی می‌توان به اموری از این دست اشاره کرد: لزوم توجه و احترام به حق الناس، حقوق شهروندی همگان، به‌ویژه گروه‌های ذی‌نفع و گروه‌های حساس و کم‌توان مانند معلولان، کودکان، سالمندان و زنان؛ لزوم توجه و احترام به حقوق مالکانه املاک واقع در طرح؛ لزوم توجه و احترام به پیشینه تاریخی محدوده مورد طراحی و مداخله. همچنین توجه بر حقوق نسل‌های آینده در برنامه‌ریزی و طراحی از ضروریات فقهی و حقوقی است، اما در تعیین اهم و مهم، حقوق نسل‌های فعلی، ارجح از نسل‌های آینده است، اگرچه برنامه و طرح مطلوب آن است که حقوق همگان، از جمله نسل‌های آینده را نیز در نظر بگیرد.

**حقوق محیط زیست:** لزوم توجه و احترام به حقوق طبیعت و محیط زیست، به طوری که در اقلیم محدوده مداخله‌ای نشود، سبب تشدید آلودگی هوا و ایجاد جزایر حرارتی نشود، گونه‌های گیاهی و جانوری و بستر زیست آن‌ها از بین نرود، زمین و خاک آن از طریق حفاری عمیق آسیب نبیند، قنات‌ها و بستر و حریم رود و مسیل از طریق راه‌سازی و ساخت‌وساز، تعرض نشود.

**حقوق فضای و کالبدی:** به الگوی معماری و شهرسازی از قبل موجود در طراحی معماری، حریم ارتفاعی، الگوی ساخت و مصالح مورد استفاده، ارتباط با بافت شهری، الگوهای دسترسی بناها و فضاهای شهری توجه و احترام گذاشته شود. همچنین منظر بناها و فضاهای شهری، مطابق احکام و قواعد فقهی و اصول اخلاقی طراحی و احداث شود.

**الگوی برنامه‌ریزی و طراحی مبتنی بر اهم و مهم:** الگوی برنامه و طراحی می‌تواند در حل مسائل مختلف یا جلوگیری از بروز آن‌ها مؤثر باشد. برای مثال، برنامه یا طرح می‌تواند پرهزینه یا مقتصد باشد، پروژه می‌تواند نظم طبیعی و زیست‌محیطی از قبل موجود را حفظ کند یا برعکس، سبب تخریب و آسیب به آن شود. پروژه می‌تواند چنان باشد که سبب آسایش همگان باشد یا سبب تعارضات مالکانه و نارضایتی افراد و گروه‌های مختلف شود. پروژه‌های عمرانی و شهری بسیاری وجود دارد که نیازمند صرف هزینه‌های گزاف است.

**اولویت حل مسائل و تأمین نیازهای شهری:** به‌طور کلی می‌توان مصادیقی از اهم در شهر و شهرسازی را به شرح زیر نام برد: اولویت ایجاد و تقویت زیرساخت‌های شهری؛ اولویت رسیدگی به فقرا و نیازمندان؛ اولویت ساماندهی بی‌خانمان‌ها، متکدیان، کودکان کار و خیابان؛ اولویت تسهیل عملکردهای

شہری؛ اولویت اقدامات ضدحریق بناها و فضاهای شہری؛ اولویت اقدامات برای ایمن‌سازی شہر و فضاهای شہری از خطر سیلاب؛ اولویت اقدامات مقاوم‌سازی بناها و فضاهای شہری در برابر بحران زلزله؛ اولویت پدافند غیرعامل (ایمن‌سازی افراد و بناها و فضاها در برابر سوانح طبیعی و مصنوعی)؛ اولویت اقدامات مدیریت بحران (فضاهای چندمنظوره برای تخلیۀ اضطراری و ملزومات امداد و نجات)؛ اولویت زیرساخت‌های تأمین و حفاظت و نگهداری آب و ملزومات آن؛ اولویت تأمین ساختارهای شہری و محله‌ای مطلوب برای زندگی راحت و آسایش شهروندان؛ اولویت ایجاد درآمدهای پایدار برای شهرداری.

جدول ۲. مصادیق اہم و مہم در شہر و شہرسازی اسلامی (نگارندہ)

موضوع	تراحم	معیارهای ارجحیت اہم بر مہم	اہم	مہم	شرایط تقدم اہم بر مہم
حمل و نقل	تملك املاك برای تعریف معابر، روانی تردد، سرعت سواره یا آسایش پیادگان؟	اخروی، دینی و دنیوی بودن مصلحت اجتماعی بودن مصلحت عمومی بودن مصلحت	گشایش مسیر و فضاهای عمومی	حقوق مالکانه افراد و ساکنان و...	پرهیز از طرح‌های صرفاً فنی و ترافیکی، تأمین رضایت و حقوق متضرران
ساختمان‌سازی	ایجاد خانه برای نیازمندان، توسعه بافت‌های شہری، آبادانی زمین	شدت ضرورت مصالح دوام، ریشه‌داری و یقینی بودن مصلحت تطابق مصلحت با فطرت، طبیعت مکلفان و سهولت میزان نزدیکی مصلحت به مقاصد کلان شریعت	حریم خصوصی خانواده‌ها و خانه‌ها ایمنی شہر و شهروندان هویت شہر و شہرسازی	منفعت سازندگان و سرمایه‌گذاران درآمد شهرداری از برج‌سازی	پرهیز از طرح‌های صرفاً کالبدی و اقتصادی، تأمین رضایت و حقوق متضرران
پل و زیرگذر	سرعت سواره یا آسایش پیادگان؟	همسویی مصلحت با تکوین و امور واقعی	ایمنی شہر و شهروندان پیاده‌مداری هویت شہر و شہرسازی	حقوق ساکنان پیرامون، راحتی عابران و کسبه و...	پرهیز از طرح‌های صرفاً فنی و ترافیکی، توجه بر آسایش، رضایت و حقوق ذی‌نفعان

<p>امکان امداد و نجات، ایجاد فضاهای باز در محله، مقاوم‌سازی خانه‌ها</p>	<p>آسایش و ایمنی خانواده‌ها هویت محله؛ سبک زندگی اسلامی، امداد و نجات مطلوب مرکز محله با مسجد</p>	<p>حقوق مالکانه افراد و ساکنان و... کالبدی و اقتصادی، تأمین رضایت و حقوق متضرران</p>	<p>پرهیز از طرح‌های صرفاً کالبدی و اقتصادی، تأمین رضایت و حقوق متضرران</p>
<p>تأمین فضا برای ایجاد پارک، تملک اراضی مردمی</p>	<p>حریم و آرامش خانواده‌ها ایمنی شهر و شهروندان هویت شهر و محله</p>	<p>حقوق مالکانه افراد و ترافیکی، تأمین رضایت و حقوق متضرران</p>	<p>پرهیز از طرح‌های صرفاً فنی و ترافیکی، تأمین رضایت و حقوق متضرران</p>
<p>طبقات و تراکم بیشتر و معضلات اشرافیت و کمبود خدمات</p>	<p>اعتدال در توده و فضا عدالت فضایی</p>	<p>منافع افراد و قیمت زمین و املاک و درآمد شهرداری</p>	<p>رعایت حریم خانه‌ها، تأمین پارکینگ و خدمات و... درآمد شهرداری</p>
<p>تغییر کاربری ازسوی شهرداری و مالکان</p>	<p>رعایت حقوق عامه رعایت قانون و پابندی به آن</p>	<p>منافع افراد و قیمت زمین و املاک و درآمد شهرداری</p>	<p>ممنوعیت تغییر کاربری‌های مصوب</p>

قاعده اهم و مهم در کاربری‌های گوناگون شهری نیز می‌تواند محل کاربرد باشد که در هر کدام، معیارها و مصادیق اهم و مهم در خور تطبیق است.



جدول ۳. مصادیق اهم و مهم در کاربری های مختلف شهری و معیارهای آن (نگارنده)

موضوع	معیارهای ارجحیت اهم بر مهم	معیارها و مصادیق اهم	معیارها و مصادیق مهم
خانه	اخروی، دینی و دنیوی بودن مصلحت اجتماعی بودن مصلحت عمومی بودن مصلحت	آسایش و آرامش، نور و هوای سالم و مطلوب، وسعت کافی خانه، حریم خانواده و اعضای آن، برخورداری از طبیعت (باغچه و آسمان)	زیبایی فضاهای بیرونی خانه، درآمد سازندگان و مالکان، تراکم و طبقات بیشتر
مسجد	شدت ضرورت مصالح دوام، ریشه داری و یقینی بودن	مرکزیت محله و شهر، استحکام، وسعت کافی، سادگی	آرایش فضاهای داخلی و بیرونی مسجد
مدرسه	مصلحت تطابق مصلحت با فطرت، طبیعت مکلفان و سهولت میزان نزدیکی مصلحت به مقاصد	حریم خصوصی خانواده ها و خانه ها، ایمنی شهر و شهروندان، هویت شهر و شهرسازی	منفعت سازندگان و سرمایه گذاران درآمد شهرداری از برج سازی
بازار	کلان شریعت همسویی مصلحت با تکوین و امور واقعی	ایمنی و آسایش شهر و شهروندان، پیاده مداری، هویت شهر و شهرسازی، مکان یابی صحیح	منفعت سازندگان و سرمایه گذاران درآمد شهرداری از پاساژسازی
اداره های دولتی و عمومی		آسایش و ایمنی مراجعان، آسایش و آرامش محلات مجاور، هویت محله؛ سبک زندگی اسلامی	درآمد و منفعت سازندگان و سرمایه گذاران دولتی و خصوصی، تراکم و طبقات بیشتر

## نتیجه‌گیری

قواعد فقهی می‌توانند جایگاه قوی‌تری در نظام حقوقی و شهرسازی برنامه‌ها و طرح‌های شهری و فرایندهای مربوطه داشته باشند، به طوری که حق الله و حق الناس و حقوق طبیعت، در برنامه‌ریزی و طراحی و مدیریت شهری به طور بایسته و شایسته لحاظ شود و مدیریت و شهرسازی اسلامی به معنای حقیقی محقق شود. از جمله این قواعد فقهی، قاعده اهم و مهم است که در تزامن با برخی قواعد دیگر، از جمله قاعده تسلیط در پروژه‌های عمرانی مطرح می‌شود. تزامن فقهی در تعیین اولویت نیاز اجتماع با حقوق مالکانه مردمی است که آیا اجرای پروژه‌های عمرانی عمومی که اغلب به تملک املاک مردم نیاز دارد، ارجح است یا حفظ املاک مردم؟ مطابق قاعده فقهی اهم و مهم که تعیین اهم با شرایطی همچون جامعیت، دینی، اخروی و دنیوی بودن، قرابت بیشتر مصلحت با قوانین شریعت و رعایت حق الناس همراه است، مصلحت اجتماع بر منفعت افراد مقدم است؛ یعنی اجرای پروژه زیرساختی مانند تعریض خیابان‌ها که در حال و آینده مورد نیاز عموم مردم است، مستلزم تملک برخی املاک واقع در مسیر طرح است. البته در این خصوص، باید و نبایدهایی درباره الگوی برنامه و طرح عمرانی و شهری وجود دارد که عبارت‌اند از:

۱. الگوی برنامه‌ریزی و طراحی باید از جامعیتی برخوردار باشد تا اولاً، املاک حداقل در طرح واقع شود، ثانیاً کارآمدی و پاسخ‌دهی در حال و آینده را داشته باشد.

۲. ضرورت اجرای طرح‌های عمرانی باید از طریق متخصصان مربوطه در حوزه‌های معماری، شهرسازی، جامعه‌شناسی، علوم اقتصادی و محیط‌زیست و حقوق و فقه ارزیابی شود. ممکن است که اجرای پروژه‌ای از نگاه متخصصی ضروری باشد، اما متخصصان دیگر، راهکارها یا ادله دیگری بر عدم اجرا یا الگوی پیشنهادی دیگری داشته باشند.

۳. ممکن است نیاز مطروحه در طرح و پروژه از طریق راهکارهای دیگر تأمین باشد یا رویکردهای جامع‌تر و مؤثری پیش رو باشد یا دلایل تهیه طرح و اجرای پروژه، منافع فردی و گروهی و سیاسی باشد که در این صورت، علاوه بر تزامن حقوق مردمی، ترضیح بودجه عمومی اختصاص یافته برای پروژه هم درخور تأمل است.

۴. در تعیین اهم و مهم یک برنامه یا طرح شهری، علاوه بر پرهیز از نگاه‌های صرفاً کالبدی و فنی و ترافیکی و اقتصادی، حق الناس و حق الله و حق طبیعت دیده شود. بدیهی است که بهترین طرح، طرحی است که تمامی آن‌ها را توأمان در خود داشته باشد، اما در تعیین ارجحیت، اهم آن است که حق الله و حق الناس را توأمان رعایت کند.

## منابع

### قرآن کریم

- امام علی علیه السلام. نهج البلاغه. به کوشش: محمد بن حسین شریف الرضی. مترجم: محمد تقی جعفری. مشهد: آستان قدس رضوی. ۱۳۸۰.
- اسفندیاری، رضا، حسین حجت خواه، مریم خادمی. «ارزیابی مقایسه ای ادله و مبانی مذاهب پنج گانه فقهی در باب قاعده اهم و مهم»، پژوهشنامه مذاهب اسلامی. دوره ۵، ش ۱۰، ۱۳۹۷، ۲۰۱ تا ۲۵۵.
- ایزدی، سیدسجاد. مصلحت در فقه سیاسی شیعه. مشهد: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. چاپ اول، ۱۳۹۳.
- بنیاد دائرة المعارف اسلامی. دانشنامه جهان اسلام. ۱۳۹۳.
- تهانوی، محمد علی. موسوعة کشف اصطلاحات الفنون و العلوم. لبنان: رفیق العجم، ۱۹۹۶ م.
- جزایری، سید حمید، محمد عشایری منفرد. «قلمرو مصلحت و عدالت در تراحم احکام و حقوق زنان»، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان. س ۱۴، ش ۷، ۱۳۹۰، ۵۴ تا ۵۸.
- جمعی از نویسندگان. نبوت خاصه. تهران: پژوهشکده تحقیقات اسلامی و نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. چاپ اول، ۱۳۸۵.
- خمینی، روح الله. کتاب البیع. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. چاپ اول، ۱۳۷۹.
- دزی، مصطفی. «قاعده تقدیم مصالح شهری بر مصالح شخصی»، جستارهای فقهی و اصولی. س ۸، ش ۶۳، ۱۴۰۱، ۳۷ تا ۶۳.
- <https://doi.org/10.22034/jrj.2022.72484>
- دیلمی، احمد، آیت الله جلیلی مراد. «قاعده اهم و مهم و کارکردهای حقوقی آن»، حقوق اسلامی. دوره ۷، ش ۷، ۱۳۹۹، ۲۶ تا ۶۶.
- ربانی، محمد حسن. قاعده اهم و مهم. پایگاه مدرسه فقاہت. ۱۳۹۱.
- سبزواری، عبدالاعلی. مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن. بیروت: اهل البيت. چاپ دوم، ۱۴۰۹ ق.
- سیفی مازندرانی، علی اکبر. مبانی الفقه الفعّال فی القواعد الفقہیة الأساسیة: قاعده الأهمیة. قم: مؤسسه النشر الإسلامی. چاپ اول، ۱۳۸۳.
- شریعتی، روح الله. قواعد فقه سیاسی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. چاپ اول، ۱۳۸۷.
- صدر، محمد باقر. دروس فی علم الأصول. قم: دار الصدر. ۱۴۲۹ ق.
- صنّار، فاضل. فقه المصالح و المفساد. لبنان: دار العلوم. ۱۴۲۹ ق.
- عشایری منفرد، محمد. «امکان سنجی اجرای قانون اهم و مهم در تراحم حقوق»، فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم

انسانی. ش ۱۸، ۱۳۹۹، ۱۰۷ تا ۱۲۷. ۱۲۷ تا ۱۰۷، ۱۳۹۹، ۱۰۷ تا ۱۲۷. ۱۲۷ تا ۱۰۷، ۱۳۹۹، ۱۰۷ تا ۱۲۷. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.2476745.1399.6.1.5.9>

علی آبادی، محمد، سیدمجید هاشمی طغراجردی. «ضرورت رویکردی نو در تدوین قوانین و مقررات معماری اسلامی، بر مواد مربوط به حریم بصری در قانون مدنی ایران تأملی بر تأثیر قاعده فقهی لاضرر»، نشریه علمی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران. دوره ۱، ش ۱، ۱۳۸۹، ۶۷ تا ۷۶.

<https://www.doi.org/10.30475/isau.2010.61926>

علیدوست، ابوالقاسم. فقه و مصلحت. قم: فرهنگ و اندیشه اسلامی. چاپ اول، ۱۳۸۸.  
عندلیب، حسین. «بررسی و تبیین اصول و قواعد شهرسازی از منظر فقه اسلامی»، دو فصلنامه معارف فقه علوی. دوره ۴، ش ۵، ۱۳۹۷، ۲۶ تا ۲۶.

قرائتی، محسن. تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳.  
قلندریان گل خطمی، ایمان، مهدی حقیقت‌بین. «کاربرد فقه در تحقق منظر شهری امن»، شیعه‌شناسی. دوره ۱۴، ش ۶۹، ۹۸ تا ۵۵.

کامیارزاده، ساناز، مهدی هداوند، صفرعلی کامیارزاد. «حق بر شهر»، پژوهش حقوق عمومی. دوره ۲۲، ش ۷۰، ۱۴۰۰، ۲۷ تا ۲۵۰. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.23456116.1400.22.70.9.8>

کریمی، علی اکبر، سیدحسین میرمعزی، سیدرضا حسینی. «ناسازگاری (تعارض و تراحم) قواعد الگوری مصرف فرد مسلمان»، فصلنامه علمی اقتصادی اسلامی. دوره ۲۰، ش ۳۵، ۱۳۹۹، ۷۷ تا ۶۰.

مکارم شیرازی، ناصر. انوار الفقہیة. قم: مدرسه امام امیرالمؤمنین. ۱۴۱۳ ق.

محقق داماد، سیدمصطفی. قواعد فقه. تهران: مرکز نشر دانشگاهی. ۱۳۷۹.

مفتح، محمدهادی. «قاعده اهم و مهم و نظریه غیراخلاقی توجیه»، پژوهش‌های اخلاقی. س ۶، ش ۳، ۱۴۴ تا ۱۴۵.

مطهری، مرتضی. اسلام و نیازهای زمان. تهران: صدرا. چاپ اول، ۱۳۹۱.

مطهری، مرتضی. سیری در سیره نبوی. تهران: صدرا. چاپ اول، ۱۳۹۱.

مطهری، مرتضی. مجموعه آثار. تهران: صدرا. چاپ اول، ۱۳۸۱.

مهریزی، مهدی. فقه پژوهی. دفتر اول. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. چاپ اول، ۱۳۷۹.

واعظی، میرزاحمد، سیدمحمدتقی قزلباشی، محمدتقی فخلعی. «وارسی اولویت‌های برآمده از متون شرعی

در تشخیص اهم»، فقه و اصول. دوره ۵۴، ش ۲، بهار ۱۴۰۱، ۱۹۱ تا ۲۰۹.

<https://www.doi.org/10.22067/jfu.v53i4.73910>

## Transliterated Bibliography

‘Alī Ābādī, Muḥammad, Sayyid Majīd Hāshimī Ṭughrā al-jirdī. “Zarurat Rūyarkarī Nū dar Tadvīn Qavānīyn va Muqararāt Mi‘mārī Islāmī bar Mavād Marbut bi Ḥarīm Baṣarī dar Qānūn Madanī Irān Ta‘mulī bar Ta‘sīr Qā‘idih-yi Fiqhī lā Zārar”, *Nashriyeh-yi ‘Ilmī Anjuman Mi‘mārī va Shahrāsāzī Irān*. Durih-yi 1, no. 1, 2011/1389, 67-76.

‘Alīdūst, Abū al-Qāsim. *Fiqh va Maṣliḥat*. Qum: Farhang va Andīshih-yi Islāmī. 2010/1388.

‘Andalīb, Ḥusayn. “Barrisī va Tabyīn Uṣūl va Qawā‘id Shahrāsāzī az Manzar Fiqh Islāmī”, *Dū Faṣlnāmih-yi Ma‘ārif Fiqh ‘Alawī*. Durih-yi 4, no. 5, 2019/1397, 6-26.

‘Ashāyri munfarid. Muḥammad. “Imkānsanjī Ijrāy Qānūn Aham va Muhim dar Tazāḥum Ḥuqūq”, *Faṣlnāmih-yi Taḥqīqāt-i Bunyādīn ‘Ulūm Insānī*. no. 18, 2021/1399, 107-127.

Bunyād-i Dā‘ira al-Ma‘ārif Islāmī. *Dānishnāmih-yi Jahān-i Islām*. 2015/1393.

Diylamī, Aḥmad, Āyat Allāh Jalīlī Murād. “Qā‘idih-yi Aham va Muhim va Kārkird-hā-yi Ḥuqūqī ān”, *Ḥuqūq Islāmī*. Durih-yi 7, no. 7, 2021/1399, 26-66.

Durrī, Muṣṭafā. “Qā‘idih-yi Taqḍīm Maṣāliḥ Shahrī bar Maṣāliḥ Shakḥī”, *Justār-hā-yi Fiqhī va Uṣūlī*. yr. 8, no. 63, 2023/1401, 37-63.

Imām ‘Alī(AS). *Nahj al-Balāghah*. ed. Muḥammad ibn Ḥusayn Sharīf al-Raḍī. *translated by* Muḥammad Taqī Ja‘farī. Mashhad: Astān-i Quds-i Razavī.

Isfandiyārī, Ridā, Ḥusayn Ḥujatkhāh, Maryam Khādīmī”, Arzyābī Muqāyisih-ī Adilah va Mabānī Madhāhib Panjgānih-yi Fiqhī dar bāb-i Qā‘idih-yi Aham va Muhim”, *Pazhūhishnāmih-yi Madhāhib Islāmī*. Durih-yi 5, no. 10, 2019/1397, 201-255.

Īzādī, Sayyid Sajād. *Maṣliḥat dar Fiqh Sīyāsī Shī‘ah*. Mashhad: Sāzimān-i Intishārāt-i Pazhūhishgāh Farhang va Andīshih-yi Islāmī. Chāp-i Awwal, 2015/1393.

Jam‘ī az Nivīsandigān. *Nabūvat Khāshah*. Tehran: Pazhūhīshkadīh-yi Taḥqīqāt-i

Islāmī va Namāyandigī Valī Faqīh dar Sipāh Pāsdārān Inqilāb Islāmī. Chāp-i Avval, 2007/1385.

Jazāyri, Sayyid Ḥamīd, Muḥammad ‘Ashāyri munfarid. “Qalamrū Mašliḥat va ‘Adālat dar Tazāḥum Aḥkām va Ḥuqūq-i Zanān”, *Faṣlnāmih-yi Muṭāli‘āt Rāhburdī Zanān*. yr. 14, no. 7, 2012/1390, 54-58.

Kāmyārzādih, Sānāz, *Mahdī* Hadāvand, Şafar ‘Alī Kāmyārrād. “Ḥaq bar Shahr”, *Pazhūhish Ḥuqūq ‘Umūmī*. Durih-yi 22, no. 70, 2022/1400, 250-272.

Karīmī, ‘Alī Akbar, Sayyid Ḥusayn Mīrmu‘izzī, Sayyid Rizā Ḥusaynī. “Nāsāzigārī (Ta‘arūḍ va Tazāḥum) Qawā‘id Ulgū-yi Maşraf Fard-i Musalmān”, *Faṣlnāmih-yi ‘Ilmī Iqtisādī Islāmī*. Durih-yi 20, no. 35, 2021/1399, 60-77.

Khumaynī, Rūh Allāh. *Kitāb-i al-Bay‘*. Tehran: Mū‘assisah-yi Tanẓīm va Nashr-i Āşār-i Imām Khumaynī . Chāp-i Awwal, 2001/1379.

Makārim Shīrāzī, Nāşir. *Anwār al-Faqāhah*. Qum: Madrisah-yi Imām Amīr al-Mu‘minīn. 1993/1413.

Mīhrīzī, *Mahdī*. *Fiqh Pazhūhī*. Daftar Avval. Tehran: Vizārat Farhang va Irshād-i Islāmī. Chāp-i Avval, 2001/1379.

Mufatih, Muḥammad Hādī. “Qawā‘id-yi Aham va Muhim va Nazarīyah-yi Ghiyr Akhlāqī Tawjīh”, *Pazhūhish-hā-yi Akhlāqī*. yr.6, no. 3, 145-164.

Muḥaqqiq Dāmād, Sayyid Muştafā. *Qawā‘id Fiqh*. Tehran: Markaz-i Nashr-i Dānishgāhī. 2001/1379.

Muṭaharī, Murtaḍā *Majmū‘ah Aşār*. Tehran: Şadrā. Chāp-i Avval, 2003/1381.

Muṭaharī, Murtaḍā. *Islām va Niyāz-hā-yi Zamān*. Tehran: Şadrā. Chāp-i Avval, 2013/1391.

Muṭaharī, Murtaḍā. Sīyri dar *Sīrah-yi Nabavī*. Tehran: Şadrā. Chāp-i Avval, 2013/1391.

*Qalandarīyān* Gulkhātmī, *Imān*, *Mahdī* Ḥaqīqatbiyn. “Kārburd-i Fiqh dar Taḥaqquq Manẓar Shahrī Amn”, *Shī‘ah Shināsī*. Durih-yi 14, no. 69, 55-98.

Qirā‘atī, Muḥsin. *Tafsīr Nūr*. Tehran: Markaz-i Farhangī Dars-hā-yī az Qurān,

2005/1383.

*Qurān-i Karīm*

Rabānī, Muḥammad Ḥasan. *Qā'idih-yi Aham va Muhim*. Pāygāh Madrisah-yi Fiqāhat. 2013/1391.

Sabzawārī, 'Abd al-A'lā. *Mawāhib al-Raḥmān fī Tafṣīr-i al-Qurān*. Beirut: Aḥl-i Bayt. Chāp-i Duwwum, 1989/1409.

Ṣadr, Muḥammad Bāqir. *Durūs fī 'Ilm al-Uṣūl*. Qum: Dār Ṣadr. 2008/1429.

Ṣafār, Fāḍil. *Fiqh al-Maṣāliḥ va al-Mafāsīd*. Lubnān: Dār 'Ulūm. 2008/1429.

Sayfī Māzandarānī, 'Alī Akbar. *Mabānī al-Fiqh al-Fa'āl fī al-Qawā'id al-Fiqhīyah al-Asāsīya: Qā'idih al-Ahamīya*. Qum: Mū'assisa al-Nashr al-Islāmī. Chāp-i Awwal, 2005/1383.

Sharī 'atī, Rūḥ Allāh. *Qawā'id Fiqh Siyāsī*. Qum: Pazhūhishgāh-i 'Ulūm va Farhang-i Islāmī. Chāp-i Awwal, 2009/1387.

Tahānawī, Muḥammad 'Alī. *Mawsū'a Kashāf Ishlāḥāt al-Funūn wa al-'Ulum*. Lubnān: Rafīq al-'Ajam, 1996/1416.

Wā'izī, Mīrzā Muḥammad, Sayyid Muḥammad Taqī Qabūlī Durafshān, Muḥammad Taqī Fakhla'ī. "Vārisī Ulaviyat-hā-yi Bar Āmadih az Mutūn-i Shar'ī dar Tashkhīṣ Aham". *Fiqh va Uṣūl*, Durūh-yi 54, no. 2, Spring 2023/1401, 191-209.